



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



ارسلان علی محمد صابری

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

ویژه گیهای شخصیتی حضرت خدیجه (س)

مهدی ورزنده

جلد ۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ویژگی های شخصیتی حضرت خدیجه (س)

نویسنده:

مهدی وزنه

ناشر چاپی:

مهدی وزنه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	ویژگی های شخصیتی حضرت خدیجه (س) - (۱)
۶	مشخصات کتاب
۶	چکیده
۶	کلید واژه
۶	مقدمه
۶	۱- به یاد خدا بودن
۷	۲- شجاعت و کفایت
۱۰	۳- حیا و عفت
۱۱	۴- بخشندگی و سخاوت
۱۲	پی‌نوشت‌ها
۱۲	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

ویژگی های شخصیتی حضرت خدیجه (س) - (۱)

مشخصات کتاب

نویسنده: مهدی وزنه

ناشر: مهدی وزنه

چکیده

یکی از برترین زنان با شخصیت در جهان اسلام حضرت خدیجه (سلام الله علیها) هستند، بر آن شدیم هر چند مختصر برخی از این ویژگی های شخصیتی را برای تشنگان معارف اسلامی توصیف کنیم. باشد که مقبولشان افتد.

کلید واژه

خدیجه (سلام الله علیها)، ویژگی ها، شخصیت.

مقدمه

ما انسان ها دارای دو جنبه هستیم: شخصی و شخصیتی. در جنبه شخصی غالب شبیه یکدیگریم، برای رفع تشنگی و گرسنگی آب و غذا می خوریم، لباس می پوشیم ... لیکن در جنبه شخصیتی با یکدیگر متفاوتیم. برخی دارای شخصیت های مثبت، فعال و معنوی هستیم، بلعکس برخی دارای شخصیتی منفی، پوچ، بی هویت ... کسانی که دارای شخصیت های مثبت و برترند، می توانند بر افراد دیگر تأثیر بگذارند، و همیشه زندگی شان سرمشق دیگران، و شایسته ی مطالعه و تحقیق است. از جمله این افراد برتر و مناسب برای الگو شدن حضرت خدیجه (سلام الله علیها) هستند. در این مقاله به دنبال بیان برخی از ویژگی های شخصیتی این بانو در مسیر زندگی مشترکش با رسول خدا (صلوات الله علیه واله) هستیم.

۱- به یاد خدا بودن

دعا یا خواندن عاشقانه و خالصانه و پرشور خدا و راز و نیاز با آن سرچشمه ی زندگی و زیبایی و قدرت، نوعی پرستش و برترین نوع یکتاپرستی است به همین جهت دعا و نیایش در زندگی دوستان خدا جایگاه پرفرازی دارد آنان به دعا خو می گیرند و با مناجات پرشور و شعور تا عرش خدا راه می یابند با آن به اوج آرامش می رسند و گم شده ی دل ناآرام خود را در آن می یابند و آن را دانشگاه آزادی ها و بی نیازی ها و استقلال ها و برازندگی ها و خودسازی ها می بینند.

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) دائماً به یاد خدا بودن و ذکر خدا را می گفتند و سرآمد زنان نیایشگر بود و حتی ایشان دو حرز مخصوص خود داشتند و مرتباً آن ذکرها را زمزمه می کردند از جمله: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيْثُ فَأَعِثْنِي، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا، وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ.»؛ «به نام خداوند بخشنده ی بخشایشگر! ای خدای زنده و استوار!

به رحمت پناهنده شدم. به من پناه بده و مرا هرگز به اندازه‌ی یک چشم برهم زدن به خودم وانگذار، همه‌ی حال و زندگی من را سامان ببخش.»

و دومین حرز ایشان: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ يَا اللَّهُ يَا حَافِظُ يَا حَفِیْظُ يَا رَقِیْبُ»؛ «به نام خداوند بخشنده‌ی بخشایشگر! ای خدا! ای نگهبان، ای نگه‌دارنده‌ی مراقب و پاسدار.» (۱)

این بانو می‌دانست که زندگی که با یاد خدا باشد شیرین، زیبا و دلنشین و همراه با آرامش است این ارتباط و یاد خدا مسلماً یک طرفه نیست، این خداست که به یاد بنده‌اش است و بنده هم به فضل الهی از خدا تمسک می‌گیرد، این ارتباط دو طرفه در زندگی خدیجه (سلام الله علیها) در روایتی خیلی زیبا بیان شده:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: وقتی که در شب معراج جبرئیل من را به سوی آسمان‌ها برد، هنگام مراجعت به جبرئیل گفتم: «هَلْ لَكَ مِنْ حَاجَةٍ؟»؛ «آیا حاجتی داری؟».

جبرئیل گفت: «حَاجَتِي أَنْ تَقْرَأَ عَلَيَّ خَدِیْجَةَ مِنَ اللَّهِ وَمِنِّي السَّلَامُ...»؛ «حاجت من این است که سلام خدا و سلام من را به خدیجه (سلام الله علیها) برسانی.»

پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی که به زمین رسید، سلام خدا و جبرئیل را به خدیجه (سلام الله علیها) رساند، خدیجه (سلام الله علیها).

گفت: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ، وَمِنْهُ السَّلَامُ، وَآلِهِ السَّلَامُ، وَعَلَى جِبْرِیْلِ السَّلَامُ»؛ (۲) «همانا ذات پاک خدا سلام است و از اوست سلام و سلام به سوی او باز می‌گردد و بر جبرئیل سلام باد.»

همراهی خدیجه (سلام الله علیها) با پیامبر صلی الله علیه و آله و دیدن معجزات و نشانه‌هایی از حضرت، این ارتباط و به یاد و در ذکر خدا بودن را قطعاً محکم‌تر می‌کرد، چرا که بانویی که حاضر می‌شود همه‌ی ثروت و جان و مال خود را در راه خدا بدهد و از همه‌ی هستی‌اش بگذرد، نشان دهنده‌ی ارتباط بسیار عمیق و محکم او با خداست، در روایت آمده پیامبر صلی الله علیه و آله در حضور خدیجه (سلام الله علیها) از نیروی ولایت خود استفاده و می‌خواستند دو چشمان زن نابینایی را شفا دهند، به همین جهت به آن زن نابینا گفتند: «قطعاً دو چشمان تو باید سلامتی خود را بدست آورند.»

در این لحظه خدیجه (سلام الله علیها) چون هم خود زنی با خدا بود و می‌دانست پیامبر هم در نزد خدا دارای مقامی بالاست با قاطعیت گفت: «هَذَا دُعَاءُ مُبَارَكٌ»؛ (۳) «این بینایی، نتیجه‌ی دعای پربرکت پیامبر صلی الله علیه و آله است.»

۲- شجاعت و کفایت

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) دارای امتیازات و ویژگی‌های شخصیتی بالایی بودند که موجب معنویت و مقدس بودن این زندگی بود از جمله فداکاری‌های شجاعانه و کفایت قهرمانانه‌ی هایش که مانند یاری مخلص و توانا با ایثاری کامل، از پیامبر صلی الله علیه و آله حمایت می‌کرد و مایه‌ی آرامش و شادی قلب پیامبر صلی الله علیه و آله بود او همراه و همپای پیامبر صلی الله علیه و آله در گذر زمان پیش می‌رفت، دردها و رنج‌ها را شهادت‌مندانه به جان خرید و شجاعانه ایستادگی کرد و از روز آشنایی با پیامبر صلی الله علیه و آله تا بعثت و از بعثت تا گرایش به اسلام، و از آغاز مخالفت زور مداران با پیامبر و پیام او تا اوج فشار و درد منشی دشمن و تا محاصره‌ی همه‌جانبه و تبعید، همیشه و همه‌جا از مال و جان و اعتبارش مایه گذاشت و از پشتیبانی نهضت و پیشوای آن دریغ نکرد و لحظه‌ای از برق شمشیرها نترسید و با همه‌ی وجود نشان داد در راه عدالت.

خالصانه و شهادت‌مندانه در برابر بیداد می‌ایستد و از سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای فریبکار و ستم‌پیشه‌ای نمی‌هراسد. از جمله‌ی نمونه‌های شجاعت این بانو در زندگی در قالب داستان عبارتند از:

- سال‌های آغاز بعثت بود، خدیجه (سلام الله علیها) می‌گوید:

پیامبر صلی الله علیه و آله از غار حرا به خانه برگشت، ولی بسیار ناراحت بودند، پرسیدم: «مَا الَّذِي أَرَى بِكَ مِنَ الْكَأَبِ وَالْحُزَنِ مَا لَمْ أَرَهُ نِيكَ مُنْذُ صُحْبَتِي؟» «ای پیامبر نشانه‌های اندوه را در چهره‌ات می‌بینم که هرگز از ابتدای زندگی مشترک تا حال تو را این طور محزون ندیده بودم علت چیست؟».

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود «يَحْزُنُنِي غَيْبُهُ عَلَيَّ»؛ «ناپدید شدن علی علیه السلام من را نگران کرده است.» علی علیه السلام از من جدا شد و معلوم نیست در کجاست [ماجرای این قرار بود که عده‌ای از مسلمانان بر اثر دوری از گزند یورش مشرکین پراکنده شده بودند در این میان بین حضرت علی علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز جدایی افتاده بود].

خدیجه (سلام الله علیها) به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: «برشترم سوار می‌شوم و به جستجوی علی علیه السلام می‌پردازم تا به او برسم، مگر اینکه مرگ بین من و او فاصله بیندازد.».

خدیجه (سلام الله علیها) با شجاعت تمام سوار بر شتر خود شد و در کنار کوه‌های مکه به جستجو ادامه می‌داد. ناگهان در تاریکی، قیافه‌ی شخصی را دید، به او سلام کرد تا از صدای جواب سلام بفهمد که آیا او علی علیه السلام است یا شخص دیگری است. او علی علیه السلام بود گفت: «وعلیک السَّلام... و بر تو باد سلام، آیا تو خدیجه (سلام الله علیها) هستی؟».

خدیجه (سلام الله علیها) گفت: آری، و بعد شترش را خواباند و به علی علیه السلام گفت: «پدر و مادرم به فدایت، سوار شتر شو.».

علی علیه السلام فرمود: «تو از من سزاوارتر هستی که بر شتر سوار شوی، پیش پیامبر صلی الله علیه و آله برو و به او خبر بده تا من بیایم.».

خدیجه (سلام الله علیها) به خانه رسید، دید پیامبر صلی الله علیه و آله در کناری ایستاده و دست به سینه‌اش می‌کشد و سه بار این دعا را می‌خواند: «اللَّهُمَّ فَزِّجْ هَمِّي وَبَرِّدْ كَيْدِي بِخَلِيلِ عَلِيِّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ»؛ (۴) «خدایا! اندوهم را برطرف کن و دلم را به دیدار خلیل و دوستم علی علیه السلام خنک کن.».

خدیجه (سلام الله علیها) به پیامبر گفت: «خداوند دعایت را مستجاب کرد، بر تو مژده باد.».

پیامبر صلی الله علیه و آله با شنیدن این مژده بلند شد و دست‌هایش را به سمت آسمان بلند کرد و یازده بار گفت: «شُكْرًا لِلْمُحِبِّ، شُكْرًا لِلْمُحِبِّ...»؛ (۵) «از درگاه خداوند اجابت کننده‌ی دعا، شکر و سپاسگزاری می‌کنم.» - از نمونه‌های دیگر شجاعت خدیجه (سلام الله علیها) :

در سال ششم یا پنجم بعثت بود، که این آیات بر قلب پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد، که: «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ، الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ»؛ (۶) «پس تو به صدای بلند آنچه مأموری به خلق برسان و از مشرکان روی بگردان. همانا ما تو را از شر تمسخر و استهزا کنندگان مشرک محفوظ می‌داریم. آنان که با خدای یکتا خدایی دیگر گرفتند بزودی خواهند دانست.».

به خاطر همین رسول خدا صلی الله علیه و آله در مراسم حج بر بالای کوه صفا رفت، با ندایی بلند سه بار فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»؛ «ای مردم! من رسول خداوند پروردگار جهانیان هستم.».

مردم به سوی آن حضرت آمدند و متوجه او شدند، سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله بر بالای کوه مزوه رفتند و دستش را بر گوشه‌شان گذاشتند و سه بار با صدای بلند فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ»؛ (۷) «ای مردم! من رسول خدا هستم.».

در این هنگام بت پرستان با چهره‌ی خشم آلودی به او نگاه می‌کردند، ابوجهل آنچنان سنگی به سوی آن حضرت انداخت، که بین دو چشمانش شکست، سایر مشرکین هم به دنبال ابوجهل به آن حضرت سنگ پرتاب می‌کردند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله با عجله به طرف کوه رفتند، و بر بالای آن به سنگی تکیه دادند، مشرکین باز هم به دنبال رسول خدا بودند و به هر طرف می‌دویدند. در این هنگام مردی پیش حضرت علی علیه‌السلام [در آن هنگام حدود سیزده سال داشت] آمد و گفت: «محمد صلی الله علیه و آله کشته شد.»

حضرت علی علیه‌السلام سراسیمه به خانه‌ی خدیجه (سلام الله علیها) رفت و در را کوبید، خدیجه (سلام الله علیها) پشت در آمد و فرمود: کیست؟ علی علیه‌السلام گفت: من هستم.

خدیجه (سلام الله علیها) پرسید: محمد صلی الله علیه و آله کجاست؟

علی علیه‌السلام گفت: خبر ندارم، ولی شنیدم که مشرکین او را سنگ باران کرده‌اند. حالا نمی‌دانم که او زنده است یا کشته شده است؟ مقداری آب و غذای «حیس» (که یک نوع حلوا بود از خرما و روغن و آرد درست می‌شد) به من بده و با من بیا تا به دنبال او برویم که مسلماً آلان تشنه و گرسنه است.

خدیجه (سلام الله علیها) غذا و آب را برداشت و از خانه بیرون آمد و همراه علی علیه‌السلام به طرف کوه حرکت کردند تا به کوه رسیدند، حضرت علی علیه‌السلام به خدیجه (سلام الله علیها) فرمود «تو به طرف دره‌ی کوه برو و من به بالای کوه می‌روم.»

علی علیه‌السلام فریاد زد: «ای رسول خدا صلی الله علیه و آله جانم به فدایت کجا هستی؟ و در کدام گوشه افتاده‌ای؟»

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) هم با آهی می‌گفت: «مَنْ أَحْسَنَ لِي النَّبِيُّ الْمُصْطَفَى؟ مَنْ أَحْسَنَ لِي الرَّبِيعُ الْمُرْتَضَى؟ مَنْ أَحْسَنَ لِي الْمَطْرُودَ فِي اللَّهِ؟ مَنْ أَحْسَنَ لِي أَبَالْقَاسِمِ؟» «چه کسی از پیامبر برگزیده برای من خبر می‌آورد؟ چه کسی از بهار پسندیده به من اطلاع می‌دهد؟ چه کسی از آن شخصی که در راه خدا رانده شده من را آگاه می‌کند؟ چه کسی از ابوالقاسم من را با خبر می‌نماید؟»

در این لحظه جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمد، وقتی که پیامبر صلی الله علیه و آله او را دید اشک از چشمانش سرازیر شد و فرمود: «می‌بینی که قوم من با من چه کردند؟ من را تکذیب کردند و از جامعه رانند، به من حمله کردند.»

جبرئیل عرض کرد: «ای محمد! دستت را به من بده» و بعد دست آن حضرت را گرفت و او را به بالای کوه نشانده و فرش مخملی بهشتی از زیر پرش بیرون آورد و آن را بر زمین کوه انداخت و پیامبر صلی الله علیه و آله را روی آن نشانده و بعد فرشتگان مقرب هر کدام پس از دیگری به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آمدند و از او اجازه خواستند، تا مشرکین را نابود و هلاک کنند، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من به عنوان عذاب رسانی مبعوث نشده‌ام، بلکه به عنوان رحمت برای جهانیان برانگیخته شده‌ام: «دَعُونِي وَ قَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»؛ «من و قومم را به خود واگذارید، آن‌ها ناآگاه هستند.»

در این هنگام جبرئیل به حضرت خدیجه (سلام الله علیها) نگاه کرد که در کوه به دنبال گم‌شده‌ی خود است، به رسول خدا عرض کرد: «مَنْ رَبُّهَا وَ مَنْی السَّلَامُ، وَ بَشَرَهَا بَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ لَاضِحٍ فِيهِ وَ لَا نَصَبٍ.» «آیا به خدیجه (سلام الله علیها) نگاه نمی‌کنی که فرشتگان آسمان از گریه‌ی او گریه می‌کنند، او را صدا بزن، و سلام من را به او برسان، به او بگو خداوند به تو سلام می‌رساند، و او را مژده‌ی بهشت.

بده که در آن خانه‌ای از یک قطعه‌ی بلورین ساخته شده و آراسته به طلا است، و در آن هیچ گونه زنج و نگرانی نیست.»

پیامبر صلی الله علیه و آله خدیجه (سلام الله علیها) را دید و او را صدا زد، در حالی که از صورت پیامبر صلی الله علیه و آله خون روی زمین می‌ریخت و پیامبر آن خون‌ها را پاک می‌کرد. خدیجه (سلام الله علیها) وقتی که به رسول خدا صلی الله علیه و آله نزدیک شد و چهره‌ی خون‌آلود او را دید با آهی جان کاه گفت: «پدر و مادرم به فدایت، بگذار قطرات خون چهره‌ات بر زمین بریزد.»

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «می‌ترسم، پروردگار زمین بر اهل زمین غضب کند.»

وقتی که شب شد، پیامبر صلی الله علیه و آله از فرصت استفاده کردند و همراه علی علیه السلام و خدیجه (سلام الله علیها) به خانه رفتند خدیجه (سلام الله علیها) در خانه‌ی خود، آن حضرت را در حجره‌ای که دیوارهایش با سنگ ساخته شده بود، قرارداد و سقف آن را با تخته سنگ‌هایی پوشاند و در روبه روی آن حضرت ایستاد و او را در جامه‌اش پنهان کرد.

مشرکین آمدند و به سوی جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله سنگ می‌انداختند، و از هر طرف سنگ می‌آمد، دیوارها و سقف سنگی محل پیامبر، مانند سپر، مانع از آمدن سنگ‌ها می‌شد و آن سنگ‌هایی که از طرف روبه رو می‌آمدند، خدیجه (سلام الله علیها) با شجاعت و شهامت بسیار خود را سپر آن سنگ‌ها قرار می‌داد تا به بدن نازنین همسرش پیامبر صلی الله علیه و آله برخورد نکند در این هنگام خدیجه (سلام الله علیها) فریاد می‌زد: «ای گروه قریش! آیا زن آزاد را در خانه‌ی خود سنگ باران می‌کنید؟». وقتی که مشرکین این فریاد را شنیدند، منصرف شدند و از آنجا رفتند.

فردای آن روز پیامبر صلی الله علیه و آله از خانه خارج شد و کنار کعبه رفت و در آنجا نماز خواند و به راز و نیاز با خدا پرداخت. (۸)

۳- حیا و عفت

عفت، یکی از صفات نفسانی است که شهوت نیروی سرکش را مهار می‌کند. عفت و حیا، تمام. حرکات و سکناات و گفتار و قلم انسان را کنترل می‌کند تا آنچه را که دلش می‌خواهد نکند و هرچه را نفسش اراده کرد به قلم و زبان نیاورد و انجام ندهد. این حالت پسندیده‌ی روحی و روانی و این منش مرقی از ویژگی‌های انسان خردمند و خردورز است، از عوامل مهم و مؤثر روانی و مردمی در جلوگیری از قانون‌گریزی و مرز شکنی و خودکامگی و خودسری است و از راه کارها و ابزارهای لازم برای ساختن جامعه و تمدن و محیط و شرایط و فضای اجتماعی و سیاسی و قضایی و اقتصادی مطلوب برای تأمین حقوق و حرمت و آزادی و امنیت انسان‌ها و باعث وجاهت و زیبایی و کرامت و آبروی فرد و جامعه و خانواده و نظام در برابر خدا، خویشان، افکار عمومی، و تاریخ است.

در کل حیا برای هر انسانی نیکو است، اما در بانوان و زنان نیکوتر و پسندیده‌تر است، این ویژگی شخصیتی در حضرت خدیجه (سلام الله علیها) نیز بسیار بارز و نمونه بود.

آن بانو در زندگی‌شان در برخورد با نامحرم همیشه از پشت پرده و حجاب صحبت می‌کردند، حتی در جلسه‌ی خواستگاریشان، به نقل تاریخ از پشت پرده صحبت می‌کردند مگر جایی که با پیامبر صلی الله علیه و آله صحبت‌های آخر را کردند. (۹)

از نمونه‌های دیگر عفت و حیا، مخصوصاً در شب‌هایی که پیامبر صلی الله علیه و آله نبودند، این بود که شبی که به امر الهی چهل شب را دور از همسر خود بودند، نوشته شده که این بانو سرخود را در هنگام شب می‌پوشاندند و پرده‌ی در را می‌انداختند و در خانه را می‌بستند. (۱۰)

این‌ها همه نشانه‌های عفت و حیا است، آن هم در زمان‌های جاهلیت و تیر و تاریک که چنین رفتارهایی را نمی‌توان در شخصی سراغ گرفت.

از بارزترین نمونه‌ی حیا و وقار خدیجه (سلام الله علیها) را می‌توانیم در لحظات آخر زندگی‌شان پیدا کنیم. او در آن لحظه خود را از خدا طلبکار می‌دانست و نه از پیامبر صلی الله علیه و آله، به همین خاطر از پیامبر صلی الله علیه و آله خواست که دعایش را بدرقه‌ی راه او کند، از درگاه الهی برایش آمرزش بطلد و قبل از به خاک سپردنش لحظاتی خود پیامبر صلی الله علیه و آله در قبر او وارد و با نماز و دعایش آنجا را پر از برکت کند.

پس از آن یک تقاضای مادی از همسرش داشت ولی احساس شرم و حیا به او اجازه‌ی مطرح.

کردن آن را نمی داد، به خاطر همین پیامبر صلی الله علیه و آله، خدیجه (سلام الله علیها) و دخترش فاطمه (سلام الله علیها) را تنها گذاشت و بیرون آمد، او به دخترش گفت: «یا حبیبی و یا قُرَّةَ عَیْنی! قُولی لابیك اَنْ اَنْی تَقُولُ اَنَا خَائِفَةٌ مِنَ الْقَبْرِ اُریدُ مِنْكَ رَدَائِكَ الَّذِی تَلْبِسُهُ حِینَ نُزُولِ الْوَحْیِ تَكْفِنُنِی فِیهِ»؛ «هان ای محبوب مادر، نور چشمم، به پدر گران قدرت بگو، مادرم می گوید من از خانه ی قبر، شب اول قبر و تنهایی در قبر نگرانم و می ترسم، از شما تقاضا دارم یکی از جامه های خود را که به هنگام فرود فرشته ی وحی و دریافت پیام خدا و راز و نیازهای شبانه می پوشیدید، به من هدیه کنید تا پس از مرگ، بدنم را با آن کفن کنم.» (۱۱)

فاطمه (سلام الله علیها) تقاضای مادر را به پدر گفت، و پیامبر صلی الله علیه و آله خواسته ی یارش را انجام داد و بلافاصله ردایش را به فاطمه (سلام الله علیها) دادند و او هم آن را با خوشحالی پیش مادر برد.

برای پیامبر صلی الله علیه و آله این لحظات بسیار سخت بود، زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله به خدیجه (سلام الله علیها) خیلی علاقه داشت، خدیجه (سلام الله علیها) حتی در آخرین لحظات عمرش، حیا و عفتش، را که یکی از عواملی بود که گرمی و آرامش کانون خانواده و تداوم زندگی و عشق و علاقه به همسرش را بیشتر می کرد، حفظ کرد.

اصولاً نظام خانواده در اسلام بر پایه ی حیا و عفت و ایمان و تقوا استوار شده، اگر زن دارای حجاب و حیا باشد، شوهرش هم دارای چشم پاک و آرامش خاطر او خواهد بود، اما اگر زنی از بی بندوباری جهان غرب تقلید کند، نه تنها کانون گرم خانواده را به هم می زند بلکه در جهنم ابدی و دائمی خواهد سوخت.

۴- بخشندگی و سخاوت

- نمونه ی بارز بخشندگی و سخاوت خدیجه (سلام الله علیها) از همان زمانی که این پیوند مقدس شکل گرفت بیشتر به چشم می خورد، مخصوصاً آنجایی که به ورقه گفت: هرچه در دست من است از مال و عبد هبه کردم به محمد، هر طور که می خواهد تصرف کند، پس ورقه فریاد زد: ای جماعت عرب، خدیجه (سلام الله علیها) خودش و مالش و بنده هایش و تمام آنچه که در ملک اوست را به پیامبر هبه کرد.

- زهری می گوید: «خدیجه (سلام الله علیها) به پیامبر صلی الله علیه و آله انفاق کرد، ۴۰ هزار، ۴۰ هزار» (۱۲)

- پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در مورد بخشش و بزرگی او فرمایشاتی دارند از جمله: «مَا رَأَيْتُ مِنْ صَاحِبَةٍ... لَا جَبْرِ خَيْرًا مِنْ خَدِیجَةَ، مَا لَنَا نَرْجِعُ اَنَا وَصَاحِبِی اِلَّا وَجَدْنَا عِنْدَهَا تُخَفُّهُ مِنْ طَعَامٍ تَحْبَاهُ لَنَا؟» (۱۳) «من کارفرمایی پرمهرتر و حق شناس تر و بهتر از خدیجه (سلام الله علیها) نسبت به کارکنان و کارگزارانش ندیدم. هرگاه من و دوستم پس از کار، پیش او می رفتیم، می دیدیم غذایی گوارا برای ما آماده کرده و آن را به ما هدیه می داد و بزرگ من شانه و انسانی رفتار می کرد.»

- در جریان محاصره ی چندساله ی پیامبر به همراه یاران هاشمی و دیگران در دره ی ابوطالب (شعب ابوطالب) یکی از عوامل پایداری پیامبر صلی الله علیه و آله و مردم با ایمان، بخشندگی و بزرگ منشی و سخاوت جناب ابوطالب و جهاد مالی خدیجه (سلام الله علیها) بود که گفته اند: «وَأَنْفَقَ أَبُو طَالِبٍ وَ خَدِیجَةُ جَمِیعَ مَالَهُمَا»؛ (۱۴) «ابوطالب و خدیجه برای نجات مردم، همه ی ثروت و امکاناتشان را در این راه خرج کردند.»

- به این اساس است که بسیار در تاریخ آمده: «كَفَاهَا شَرَفًا فَوْقَ شَرَفِ اَنَّ الْإِسْلَامَ لَمْ يَقُمْ إِلَّا بِمَالِهَا وَ سَيِّفَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ كَمَا رَوَى مُتَوَاتِرًا»؛ (۱۵) «همین افتخار و شرافت که برترین افتخار و شرافت است برای خدیجه (سلام الله علیها) بس که آیین اسلام پا نگرفت و کمر راست نکرد مگر با ثروت خدیجه (سلام الله علیها) و شمشیر علی علیه السلام چنان که این مطلب به طور متواتر (یعنی بسیار که موجب علم است) نقل شده است.»

پی‌نوشت‌ها

- ۱- سید بن طاووس حسنی، منهج الدعوات، ص ۵؛ ابراهیم بن علی عامل کفعمی، مصباح کفعمی، ص ۳۰۲؛ سید بن طاووس، الإقبال، ص ۱۳۷.
- ۲- طوسی، امالی طوسی، ص ۱۷۵؛ راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۵۲۹؛ سیدهاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن.
- ج ۳، ص ۴۹۳؛ محمد رضا قمی مشهدی، تفسیر کنز الدقائق و بحرالقرائب، ج ۷، ص ۳۴۹؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابة فی معرفه الصحابه، ج ۸، ص ۱۰۲؛ محمد بن یوسف صالحی شامی، سبل الهدی و ارشاد فی سیره خیر العباد، ج ۱۱، ص ۱۵۷.
- ۳- ابن مقازلی شافعی، مناقب الامام علی ابن البیطالب، ج ۱، ص ۸۳؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۱۷.
- ۴- ابوالقاسم فرات بن ابراهیم کوفی، تفسیر فرات کوفی، ص ۵۴۷؛ سیلاوی، الانوار الساطعه من الغراء الطاهره خدیجه بنت خویلد، ص ۳۴۸.
- ۵- عمادالدین طبری، بشارت المصطفی، ص ۲۱۷.
- ۶- سوره حجر (۱۵)، آیات ۹۴ تا ۹۶.
- ۷- سیلاوی، همان، ص ۱۵۹، برگرفته از بحار انوار، ج ۱۸، ص ۲۴۱.
- ۸- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۱۸، ص ۲۴۳؛ محمدصادق تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۱۶، ص ۲۴۸؛ عزالدین ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۶، ص ۸۶؛ ابن حجر عسقلانی، همان، ج ۸، ص ۱۰۲؛ احمد بن علی مقریزی، امتاع الاسماع، ج ۶، ص ۲۵؛ محمد بن یوسف صالحی شامی، همان، ج ۷، ص ۱۴۸؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۱، ص ۵۰۸.
- ۹- سیلاوی، همان، ص ۱۰۰؛ محدث نوری، مستدرک وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۰۳؛ محمدباقر مجلسی، همان، ج ۱۶، ص ۶۹؛ ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۱۴.
- ۱۰- علی بن یوسف حلّی، العدد القویه، ص ۲۱۹؛ سیلاوی، همان، ص ۱۲۷.
- ۱۱- سیلاوی، همان، ص ۳۷۵؛ ذبیح الله محلاتی، همان، ج ۲، ص ۲۰۳.
- ۱۲- محمدالحسون، اعلام النساء، ص ۳۲۱.
- ۱۳- ابن سیدالناس، عیون الأثر، ج ۱، ص ۶۴؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۱۱؛ بیهقی، دلائل النبوه، ج ۱، ص ۹۰.
- ۱۴- قطب الدین راوندی، همان، ج ۱، ص ۸۵؛ محمدباقر مجلسی، ج ۱۹، ص ۱۶.
- ۱۵- عبدالله مامقانی، تنقیح المقال من فضل النساء، ج ۳، ص ۷۷.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در

دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

(الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

(ب) تولید صداها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

(ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

(د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

(ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

(و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

(ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

(ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

(ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

(ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱) ۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز، مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰ IR۹۰-۰۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - : هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محتّ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: امام حسين عليه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِبدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



اصفهان

گامی



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹